**مصاحبه با BAPrivateKabul070818**

**تاریخ: 07 اوگوست 2018**

**مصاحبه در دفتر مرکزی شرکت**

ک: سوال اولم از شما این است که وظیفه یتان چیست در شرکت؟

BAPrivateKabul070818: ما در این شرکت به عنوان رییس و مدیر اجرایی یا president and CEO اوف ده کمپنی [of the company] هستم.

ک: یعنی تصمیم گیرنده ی عمده شما هستید در شرکت؟

BAPrivateKabul070818: بله، تصمیم گیرنده ی عمده مه هستم.

ک: شرکت چی تعداد کارگر دارد؟

BAPrivateKabul070818: ما به حساب کارگرها و اینها در حدود 220 نفر کارگر و انجنیر داریم.

ک: کارگرها به چی شکلی استخدام میشن؟ به شکل دایمی استخدام میشن و ماهوار معاش می گیرند یا این که مقطعی به اساس تقاضای بازار؟

BAPrivateKabul070818: هشتاد فیصد امپلویی [employee] که ما داریم اینها ره وقتی که هایر [hire] می کنیم وقتی که از جوب [job] ره انونس [announce] می دهیم و آنها ره شورتلست [short list] می کنیم و انتخاب می کنیم همراهشان قرارداد منیمم [minimum] یک سال و مکسیموم [maximum] قراردادهایی که داریم تا سه سال است. هشتاد فیصد پرسونل. کی پرسونل [key personnel] که ما داریم کس های که به هد [head] هستند اینها برای یک لونگ ترم [long term] تعهد دارند. شاید تا وقتی که باشیم و تا وقتی که همین پروژه ها باشند، در حدود ده نفر کس های که ده هد فابریکه های ما هستند و پروژه های ما هستند، ده نفرشان به این شکل – پنج فیصدش به این شکل است. هشتاد فیصد قراردادهای یک تا سه سال دارند. متباقی کارگرهای هستند که همو پروژه [برای همو پروژه]، همو لحظه ما آنها ره هایر می کنیم و هفته وار معاش می دهیم و اگر که همو لحظه نیازمندی برای آنها نباشه باز ما 20 فیصد ره رخصت می کنیم. این سترکچر [structure] ما است.

ک: گفتید که اعلام می کنید، از طریق وبسات اعلان می کنید؟ یا این که [قطع]

BAPrivateKabul070818: از اکبر [ACBAR] جوب، ...، به سایت ACBAR ما انونس می دهیم. وقتی که کسی لازم داشته باشیم یا موسسات یا اسوسیشن های [association] هایی مثل یی.بی.ای، شرکت های ساختمانی، کس هایی است که برای ما لست روان می کنند که این [نامفهوم] است که نو است و علاقمند استند که از آنها پک [pick] [تصحیح] می گیریم. امپلوی [employee] خوده می گیریم.

ک: تولید در شرکت به چی گونه است؟ مستقیم با دست است؟ یا این که ماشین است قسما دست؟ یعنی دست انسان آن ره به کار می اندازه؟ یا قسما اتوماتیک است و دخالت دست انسان فقط برای تنظیم بخش دیجیتال و این حرف ها ست؟ یا این که کاملا اتوماتیک است و هیچ دست انسان دخیل نیست؟

BAPrivateKabul070818: 30 فیصد ماشین های ما اتوماتیک است که پروگرام میشه و طبق پروگرام کار خوده انجام میده. متباقی همراه دست است و دایرکتلی [directly] خود کارگر اونجه کار می کنه. ولندنگ کاری داریم، سنگ [تصحیح] یا مونتاژهایی داریم که به این سیستم است.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی تان چند است؟

BAPrivateKabul070818: ما یک کالایی [...] چون سیستم برق کار می کنیم بسیار اختلاف های زیادی است. یک محصول داریم که شاید 50 دالر باشه. یک محصول داریم شاید در حدود 70 هزار یا 80 هزار دالر باشه. نسبت به او سپیسفیکشن [specification] و نیازمندی که دارند، ریت [rate] بسیار فرق می کنه.

ک: به اساس سفارش پس شما تولید می کنید؟

BAPrivateKabul070818: ما سفارشی تولید می کنیم.

ک: کاملا!

BAPrivateKabul070818: کاملا! چیزی نیست که ما تولید کنیم و در مارکیت بگذاریم باز کسی بیایه بگیره. ما اوردر [order] می گیریم. دیزاین می کنیم مطابق به اوردر و کار خوده انجام می دهیم.

ک: پس پلان کاری تان به اساس سفارش است.

BAPrivateKabul070818: بله.

ک: تخمینی وجود دارد که ده چی سطحی شرکت می توانه تولید کنه؟ حد اکثر توانایی تولیدتان در چی حد است؟

BAPrivateKabul070818: شما حد اکثر ره از لحاظ ولیو [value] میگین از لحاظ کوانتتی [quantity] میگین؟ از چی لحاظی؟

ک: از لحاظ کوانتتی

BAPrivateKabul070818: خُب کوانتتی ره ما، خب، قبلا هم یک ارزیابی از طرف تدارکات ملی شده بود و ما برای آنها کوانتتی دادیم که ما بالفرض یک صندوق میتل باکس [metal box] یا صندوق دیگه در سال در حدود 6 هزار دانه یا 10 هزار دانه، صندوق های میتل باکس [...] چون شما ذهنیت بگیرید، اینها را تولید کرده می توانیم. همزمان، 500 نوع سوچ بوردهای [switch board] نوع دیگر ره تولید می توانیم. کوانتتی ها نسبت به حجم خود همو محصول یا سپیسیفیکیشن همو محصول فرق می کنه.

ک: در این سال ها، در این مدتی که فعال بوده اید، توانسته اید از حد اکثر ظرفیت تان استفاده کنید؟

BAPrivateKabul070818: متاسفانه ما ظرفیتی که داریم، چون دو فابریکه ای که در هرات داریم و یکی در کابل داریم، قبل از سال 2004 [2014] فقط فابریکه ما بیشتر فعال بود، سال های 2012 و 13 ده هرات فعال بود. حجم کارها خوب بود. آنجا می توانستیم حدود 60 فیصد ظرفیت خوده استفاده بگیریم. ولی فعلا، اگه حال حاضر ره بگیریم، ما دقیقا، فابریکه ی کابل ره که داریم، فابریکه ی هرات ره که داریم، از 30 فیصد ظرفیت ماشینری و دیگر و دیگر خود کار م می گیریم به خاطر شرایط بد [مکث] سچویشن [situation به گویش ایرانی] که به افغانستان است و مارکیت ضعیف است. ولی ما توانایی داریم که حتا، توانیی انویست [invest] داریم ده بخش های دیگه [که] ده همو فیلد خود کار کنیم. متأسفانه مارکیت تقاضا ره نداره.

ک: این ره گفتید که بعد از سال 2014 این، احساس می کنید که مارکیت رو به رکود است؟

BAPrivateKabul070818: بله! دقیقا! همو وقتی که [...] تا 2013 و 14 ما مکسیمم پیک [maximum peak] ره داشتیم، کارها ره داشتیم ده افغانستان، بعد از او دیگه [...] ده بخش بزنس خوده می گویم [البته]. ده مارکیت های دیگه ما زیاد خبر نداریم. ده بخش پروژه های برق، پروژه های که ما کار می کردیم همراه نیروهای خارجی و یو.اس.آرمی، پروژه های که بود. لودی [load]، یعنی، مکسیمم [maximum load] و کرایسس پوینت [crisis point] ما همو نقطه اوج ما ده همو 2014 بود. خب کم شده فعلا و یک حالت انسستینبلتی [unsustainability] است خو خب زیاد هم. فعلا 30 تا 35 فیصد، نهایتا 40 فیصد ظرفیت خوده ما استفاده می کنیم. دیگه وقت ما بیکار هستیم یا خوده مشغول داریم که همی ستف [staff] ره ما از دست ما نره تا باز یک اوپورچیونتی [opportunity] میایه از او استفاده کنیم.

ک: سرمایه ی اولیه ای که برای ایجاد شرکت استفاده کردید، شما از کدام بانک قرض گرفتید که ده بدل سود این ره پس می دهید، یا کمک مالی دولت بود، یا کاملا شخصی بود، یا کمک بلاعوض سازمان های غیردولتی بود؟ یا قرضه ی دوره ای از طرف اجتماع بود؟

BAPrivateKabul070818: نه! کاملا شخصی بود. ما کاملا شخصی بود. با یک هنگری ده سال 1387 یا 2008 یک جای ره رنت [rent با لهجه ی ایرانی] کردیم. خُب، در حدود 20 الی 30 هزار دالر کار خوده شروع کردیم. کاملا شخصی بود.

ک: فعلا تا چی حد تخمین می زنید سرمایه ی [قطع]

BAPrivateKabul070818: ما فسیلیتی [facility] که فعلا داریم بالاتر از 2.5 میلیون دالر فکتوری [قطع]

ک: ماشین ها و [...]

BAPrivateKabul070818: ماشین آلات و لند [land] و هنگر و کل همین چیزها، در دو فابریکه و مواد خام و اینها، در حدود دو، نزدیک به، زیر دو میلیون، بین 1.8 میلیون و دو میلیون دالر ما است [asset] و سرمایه ی داریم.

ک: کارگرهای که معاش می دهید، کس های ره که هفته وار معاش می دهید به اساس روزانه معاش می دهید یا این که [...] و کارگرهای که دایمی هستند، ترکیب معاشاتشان چگونه است؟ چند فیصدشان چقدر معاش می گیرند؟

BAPrivateKabul070818: معاش های ما کلا مطابق قانون افغانستان آخر هر ماه شمسی داده میشه که ده روز هم وقت داریم به حساب تکس [tax]، که تکس آنها ره هم پرداخت می کنیم. به او سیستم داده میشه. سوال دوم شما این که – چی بود؟

ک: به چی اندازه معاش می دهید کارگرها ره؟

BAPrivateKabul070818: ما می توانیم بگوییم که از همین ریتی که داریم حدودا، ما در دو بخش کار می کنیم. یک بخش تولیدی است، یک بخش پروژه ها است. مه که کلی، اوورال برایتان میگم. نمی فهمم.

ک: هم کارگرهای که در شرکت ها هستند و هم آنهایی که در پروژه ها استند!

BAPrivateKabul070818: [بله] در پروژه ها هستند. نمی فهمم که فوکس [focus] بالای پروژه کنیم یا سر کمپنی کنیم.

ک: خود کمپنی.

BAPrivateKabul070818: سر فابریکه ها کنیم یا کل کمپنی.

ک: سر فابریکه ها.

BAPrivateKabul070818: اگر سر فابریکه ها باشه چون می توانیم نصف این نفرهای ما در فابریکه هستند نصف در پروژه هستند. همو اول که صحبت کردیم.

ک: پس 110 نفر ده فابریکه!

BAPrivateKabul070818: حدودا 100 نفر و خُرده ای ده فابریکه ها هستند. اگه ما صرف فوکس ما سر فابریکه باشه، ما میتانیم بگوییم هشتاد الی 75 درصد پرسونل ما تکنیسین [technician] یا سکیل لیبر [skill labor] هستند که ما آنها ره ترین [train] داده ایم و اینها، معاش های اینها در حدود میشه ریت 20 هزار افغانی ره شما در نظر بگیرید و متباقی بعضی کس هایی هستند که انجنیرهایی هستند که همراهِ ما کار می کنند یا تکنیسین های که چند سال همراه ما کار می کنند، در حدود 15 الی 20 فیصد دیگر [نفوس کارگر] اینها ریت معاش اینها در حدود 50 هزار افغانی و اینها است.

ک: یعنی کارگرها ره شما خود تربیه می دهید در فکتوری؟

BAPrivateKabul070818: کس هایی بودند که ما گرفتیم هیچ حتا آنها ایدوکیشن [education] هم متأسفانه خیلی، به خاطر شاید شرایط افغانستان، نبودند [نداشتند]. آنها ره ما خود ما ترین دادیم برای کار خود و فعلا بدون هیچ [...] چون این چیزی بود که خود ما نولج [knowledge] از این ره دیشتیم [گویش هزاره گی] ده مهاجرت اینه گرفتیم آمدیم اینجی، و این ره ست اپ [set up] کردیم و فعلا همی 100 تا 120 نفر کارگری که در بخش تولیدی کار می کنند کس هایی هستند که خود ما ترین کرده ایم.

ک: میشه بگویید که در کجا یاد گرفتید؟

BAPrivateKabul070818: این ره ما در ایران.

ک: قبلا در ایران عین کار ره می کردید؟

BAPrivateKabul070818: قبلا در ایران ما مهاجرت [انتقال به موضوع بعدی] ما از هرات هستیم اصلا. در زمان جنگ که شد مهاجر شدیم به ایران. آنجا درس خواندیم، ایجوکیت [educate] شدیم بالآخره ده همو و به همی صنعت آشنا شدیم. 2002 و 2003 که تغییرات در افغانستان آمد، پس آمدیم اینجه. آمدیم و این ره 4، 5، 6 سال طول کشید تا خوده ده این جامعه پیدا کردیم. آهسته آهسته که پیدا کردیم، باز سال 2008 ما پلان های خوده شروع کردیم.

ک: پس کمپنی از 2008 به این طرف فعال بوده؟

BAPrivateKabul070818: کمپنی از 2008 جواز ما فعال بوده.

ک: شامل کدام اتحادیه صنعتی یا کدام اتحادیه تجاری هم است شرکت؟

BAPrivateKabul070818: ما همراه اتحادیه، ما شامل چندین اتحادیه هستیم. اتحادیه انرژی های قابل تجدید رینویبل انرژی [renewable energy]، شامل شرکت های ساختمانی – چون یک بخش کارهای ما پروژه ها است، پروژه های ساختمانی که در بخش برق است – اتحادیه شرکت های ساختمانی، اتاق صنایع و معادن [تصحیح] اتاق تجارت، صنایع و معادن که است، و این اتحادیه ها ره ما همراهشان عضو هستیم. ده میتینگ هایشان هستیم.

ک: عضویت در این اتحادیه کدام کمک مستقیمی برای افزایش حجم تولید یا دسترسی به مواد خام یا دسترسی به بازار کدام [قطع]

BAPrivateKabul070818: نه متأسفانه اتحادیه هنوز جایگاه خوده پیدا نکرده که بتوانیم ما با توجه به این که رییس جمهور هم این قدر سر تولیدات داخلی کار می کنه، فعلا تنها اتحادیه ای که سر بخش تولیدات کار می کنه، اتحادیه یا اتاق می توانیم بگوییم، اتاق صنایع و معادن است و او هنوز جایگاه خوده پیدا نکرده که بتوانه یک حمایت درستی بکنی از تولیدکننده گان داخلی. ولی خب در پکچر [picture] هستیم، ده ایوینت ها [event] هستیم دیگه.

ک: بیشتر به شکل حمایت های ضمنی ارایه می کنه پس؟

BAPrivateKabul070818: بله.

ک: نمایشگاه و این [قطع]

BAPrivateKabul070818: نمایشگاه است و کدام کس هایی که می آیند از خارج می خواهند از اتاق تجارت قزاقستان است یا ازبکستان است، تاجرها می خواهند ببینند. یا کدام ایوینت [event] میشه ده کدام جای دیگه. یا ایوینت های داخلی، در همین حد اینها فعالیت دارند.

ک: این بخش بیشتر بالای شما است. به عنوان کسی که وارد کار صنعت شدید، طبعا بعضی تغییراتی ره ده زندگی احساس کردید. سوال اولم این است که در وقت فراغت، در وقت تفریح، در وقتی که کار تمام است، چی کار می کنید؟ برای وقت گذرانی یا به اصطلاح عام ساعتتیری.

BAPrivateKabul070818: ساعتتیری خو متأسفانه در افغانستان او فسیلیتی نیست. ما خو بهترین ساعتتیری یا بهترین اوقات فراغت ره همراه فامیل داریم. از اینجه هم که میرویم مستقیم خانه میرویم همراه بچه ها و هر سالی دو بار یا سه بار ما تلاش می کنیم که سفرهای خارجی برویم. به دوبی، به ترکیه. بیشتر همراه فامیل. فعلا چون مصروفیت های، منحیث یک لیدری [leader] که مجموعه ره جمع می کنه، ما مثل یک کارمند نیستیم که 4 بجه دیگه خلاص باشه. حتا بعضی وقت ها، پروپوزل های است که باید کار کنیم. بیشتر وقت ما در همین، در بخش کار و در بخشِ [بعد از وقت رسمی] در بخش تلیفون ها و موضوعات دیگه و گپ های دیگه است که پیش می آیه.

ک: قبل از این که وارد کار صنعت شوید چی کارهایی می کردید؟

BAPrivateKabul070818: دیگه همین هستوری [history] که مه برایتان گفتم از همو روز اول که ما از روزی که به افغانستان درگیر همی موضوع بودیم. دیگه این طور نبود که ما وارد این کار [...] یک کار دیگری داشته باشیم. این ره خود ما همین طور رُشد دادیم و درگیر بوده ایم سر همین موضوع. قبل از او هم درس بود و همین حالت اجتماعی که میگین، خب ما به همی سیستم آموخته شدیم و کلان شده ایم در همین سیستم.

ک: یک بار ازدواج کرده اید یا چند بار؟

BAPrivateKabul070818: [خنده] یک بار

ک: گاهی کتاب هم می خوانید؟

BAPrivateKabul070818: کتاب [مکث طویل] اگر بگویم نی واقعا. بسیار کم. چون فعلا ما در کنار کار هم که داریم شامل پوهنتون امریکایی ها آنجا هستیم همزمان کورس های انگلیسی ره پیش می بریم. آنجا است، بعضی وقت ها بعضی استادها بعضی کتاب ها ره رفرنس [reference] می دهند، می خوانیم. ولی خوب حجم زیاد نیست. حجم خیلی کم است نسبت به مشغله ای که دارم.

ک: چی نوع موسیقی گوش می دهید؟

BAPrivateKabul070818: موسیقی یک چیزی است که به فطرت و به خاطرات یک آدم بستگی داره. ما چون در ایران کلان شده ایم، بیشتر همو موسیقی سنتی یا چیزی که آنها، بیشتر همونجه گوش کرده ام همو ره در ذهن و در خاطره داریم. این طرف در افغانستان هم، خب، موسیقی های احمد ظاهر و اینها ره گوش می دهم.

ک: ده اجتماعی که زندگی می کنید یک برداشتی شما از وضعیت مالی تان دارید، یک برداشت دیگری هم مردم دارند. مثلا، میگن فلانی نفر پولدار است یا کم پول است یا بی پول. درک شما چی است از موقعیت مالی تان نسبت به محیطی که هستید؟ خوده پولدار حساب می کنید، خوده ده حد یک متوسط حساب می کنید که همو قدر پول در می آورید که به مصرف می رسه یا این که فقیر و کمدار؟

BAPrivateKabul070818: خُب، اگه سوال شما ره جواب بدهم، کس های که در بخش تولید کار می کنند، تولید یک شوق است. ما هر چی که در می آوریم پس ده پلان های توسعه ای استفاده می کنیم و خوده فقیر [هم] احساس نمی کنیم. پولدار کلان هم احساس نمی کنیم. ولی خوده یک صنعت کار و شوقی احساس می کنیم که در این بخش کار می کنه. هرچی هم که در می آوریم ده همی بخش دوباره انویست [invest] می کنیم. علاقه مند هستیم که همین پلان ما پیش بره.

ک: پس بیشتر داشتن شرکت یک شوقی است، یک علاقمندی است که شما می خواهید سر پا نگه کنید و [قطع]

BAPrivateKabul070818: او ره پیشرفت بدهیم، بله!

ک: تحصیلاتتان در چی حد است؟

BAPrivateKabul070818: تحصیلات ما در ایران که بود در بخش، خب آنجا مهاجرت، محدودیت زیاد بود برای تحصیلات. تا مقطع فوق دیپلوم میگن. دوازده ره که خلاص می کنیم، ده فوق دپلوم یا تکنیسین برق هستم.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید از اینها کدامش را انجام می دهید: به یک نمایشگاه هنری می روید، به یک محفل مشاعره می روید، به یک محفل کتابخوانی می روید، یا این که به قرغه می روید، به حوض آببازی می روید، یک ورزش رزمی بازی می کنید، با دوست ها می روید به رستورانت، یا به هیچیک از اینها پول ندارید؟

BAPrivateKabul070818: بیشتر تلاش می کنم همراه فامیل وقت خوده تیر کنم تا این که شخصی خواسته باشیم کاری بکنیم.

ک: فعلا در کدام نقطه ی شهر زندگی می کنید؟

BAPrivateKabul070818: کارته ی سه.

ک: قبلا هم همینجه زندگی می کردید؟

BAPrivateKabul070818: قبلا کارته چهار بودیم.

ک: اطفال مکتب خصوصی می روند یا دولتی؟

BAPrivateKabul070818: مکتب های خصوصی میرن.

ک: برای ایجاد شرکت طبعا انسان یکه و تنها نمی توانه یک شرکت ره ایجاد کنه. کس های که به شما کمک کردند، کی ها بودند؟ اعضای فامیل کمک کرد، دوست ها کمک کرد، اعضای جامعه کمک کرد، اعضای قوم و منطقه و محل زندگی؟ کی ها بودند که به شکل مالی یا معلومات برای ایجاد شرکت برای شما کمک رساندند؟

BAPrivateKabul070818: کمپنی ما یک کمپنی فامیل کمپنی است. برادرها هستیم کار می کنیم. بیشتر برادرها کمک کردند.

ک: بیشتر برادرها در قسمت ... در اوایل هم در قسمت تأسیسش برادرها کمک کردند؟

BAPrivateKabul070818: خُب، تلاش کردم. خودم که راه انداختم، باز برادرها ره آهسته آهسته آوردم پیش خود.

ک: فعلا چند موتر دارید؟

BAPrivateKabul070818: ده فابریکه یا [قطع]

ک: شخصی

BAPrivateKabul070818: شخصی خو می توانم بگویم دو موتر دارم.

ک: قبلا هم دو موتر داشتید؟

BAPrivateKabul070818: قبلا هم یکی بود یا دو تا، حالا فرق نمی کنه. چون بیشتر موترهای ما به شرکت هم استفاده میشه. از خود ما که است کارهای شرکت ره هم همراهش انجام می دهیم. این طور شخصی صرف نیست.

ک: مودلشان باز چیست؟

BAPrivateKabul070818: 2013 و 2010.

ک: منظورم این که کورولا است، یا

BAPrivateKabul070818: کورولا است.

ک: حج هم رفته اید.

BAPrivateKabul070818: رفته ام بله. دو سال پیش.

ک: چند باری رفته اید یا؟

BAPrivateKabul070818: یک دفعه.

ک: چند باب خانه دارید؟

BAPrivateKabul070818: ده کابل که کرایه می گیریم [خنده] ده کابل کرایه هستیم. ده هرات داریم. ده ایران هم داریم ولی خوب به نام ما نیست به خاطری که آنجا امکانات نیست ولی خوب ملکیتش از ما است که پدر ما برای ما دادند. پدر و مادر ما آنجا هستند.

ک: از برکت کار شرکت توانسته اید خانه بخرید؟

BAPrivateKabul070818: بله، خانه بگیریم [توانسته ایم]. هرات بود. اینجه هم است. ولی این که بیشتر هنوز دسجن [decision] خیلی زیادی نگرفته ایم که کدام منطقه ده کابل باشیم. یا نسبت به همین شرایط نمیشه آدم انویست [invest] کنه ده این بخش.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بدهید که چی رقم آدم هایی هستند مثلا چی نوع کس های، رفیق های که وقت فراغت دارید زنگ می زنید که بیایید برویم یک طرفی یک چکر.

BAPrivateKabul070818: سابق کم ذره مصروفیت ها کمتر بود. دوست ها بیشتر بودیم. حالی که کم ذره زیادتر شده یک کم، دوست های ما بیشتر همکارهای ما هستند معمولا. دیگر، باز هم همو فامیلی گفته میشه. یعنی ده افغانستان، باز هم رفت و آمد فامیلی داریم. کس های هستند که اینجه ایجوکیت [educate] کدن. هستند همراه ما. آنها بزنس های خوده دارند، ما هم داریم. هم رفت و آمد شخصی داریم و هم رفت و آمد دوستانه داریم همراهشان. کس های که از سابق آمده باشند.

ک: بیشتر در کار صنعت و تجارت مصروف هستند؟

BAPrivateKabul070818: تجارت یا بزنس های شخصی خوده دارند یا امپلویی [employee] هستند در یک جایی.

ک: شما پیشتر از مسایل امنیتی یاد کردید. در همین مدت ده سالی که شما فعال بوده اید به گونه ی مشهود یا مستقیم مسایل امنیتی به چی شکلی تأثیرگذار بوده بالای حجم تولید شما، بالای شرکت تان، فعالیت هایتان؟

BAPrivateKabul070818: خُب داشته دیگه. حالا به چی اندازه، اگر شرایط بهتر می بود شاید ما بهتر از این بهتر می توانستیم. همین لحظه هم خوب تهدیدها است. چه تهدیدهای عمومی، خدا دور داشته باشه، موضوعات انتحاری و دیگه چی، تهدیدهای شخصی حتا. گپ های است که تأثیر داره.

ک: این باز به شما انگیزه میته که صنعت ره ببرید به جای دیگری چون شرایط افغانستان مساعد نیست؟

BAPrivateKabul070818: نیست ولی بعضی اوقات آدم فکر می کنه ولی وقتی که منطقی فکر می کنه شاید جای که مه اینجه کلان شدم و کل جامعه ره می شناسم، شاید نتوانم در جای دیگری این [گونه] پیشرفت کنم. تا به او جامعه آدم بره، آشنا شوه، بزنس ره بفهمه، و اونجه هم رقابت های زیادی است. چون ما خود ما بوده ایم. در ایران بوده ایم. اگر می توانستیم همین بزنس خوده همونجه ادامه می دادیم. ولی اونجه محدودیت هایی که داشتیم، مشکلاتی که به لحاظ اقامت، به لحاظ [قطع]

ک: آنجا هم کار صنعتی بود؟

BAPrivateKabul070818: دقیقا در همین فیلد خود ما که همونجه درس خواندیم، در همونجه کار کرده ایم. باز همو نولج [knowledge] ره گرفتیم آمدیم اینجا.

ک: میرسیم بالای طرز تصمیم گیری در شرکت. ساختار تصمیم گیری در شرکت به چی شکل است؟ برای مصارف کلان، برای توسعه شرکت، یا توزیع مفاد و این گپ ها؟ تصمیم ره یک نفر می گیره ابلاغ می کنه یا این که همه اعضای شرکت می آیند و تصمیم می گیرند؟

BAPrivateKabul070818: روی سیاست های کلان خوب همو سه، چهار برادرهای هستیم که می نشینیم در صورتی که آنها خوب، اگر مه هر چی هم برایشان بگویم آنها تأیید می کنند. ولی به خاطری که آنها ره همراه خود داشته باشم معمولا جلسات دو ماهی، سه ماهی یک دفعه می نشینیم نظر آنها ره می گیریم. یکی یکی بعد از او تصمیم می گیریم. در بخش های، خود کارهای اجرایی و خود پروژه ها باز پروژکت منیجرهای خوده، کس های که ده هد [head] همو پروژه هستند آنها ره هم می خواهیم. ولی در نهایت همو موضوع است که شییر [share] میشه، نظر گرفته میشه و در نهایت تصمیم گرفته میشه.

ک: بیشتر پس همین سه، چهار برادرها [قطع]

BAPrivateKabul070818: برادرها در سیاست های کلان، گپی که شما زدید، [بله] برادرها است.

ک: در قسمت خدمات به کارگرها، برعلاوه معاش دیگر چی چیزهایی ارایه میشه؟ نان و محل بود و باش و این چیزها، برایشان داده میشه؟

BAPrivateKabul070818: نان داده میشه برایشان. سرویس [service] رفت و آمد فابریکه برایشان داده میشه. بعد از او کس های که درس می خوانند حتا ما نفرهای داریم که تلاش می کنیم هزینه ی تحصیل آنها ره می دهیم مثل بورسیه واری. ده هد [head] روان کرده ایم یا در همینجه که می خوانند. خُب، اگر آمدند بعدا همراه ما کار کردند خوب، اگر نی برای خودش برای خود آنها می توانه [انتقال به موضوع بعدی] حتا اگر کس های که به هد [head] هستند، ده فابریکه، تلاش می کنیم که بیخی آنها ره صاحب خانه کنیم که یک چیزی برایشان زمین ره می گیریم و آنها آهسته آهسته جور می کنند و، نسبت به درآمدی که داریم، همین ها می توانند [کمک کنند]. این فسیلیتی [facility] عمومی.

ک: بیمه و این حرف ها خو ندارند تا به حال.

BAPrivateKabul070818: کاملا ندارند نی.

ک: شامل کدام اتحادیه ی کارگری یا [قطع]

BAPrivateKabul070818: نی! اینها ره فعلا نداریم ما نی.

ک: ده افغانستان نداریم!

BAPrivateKabul070818: ده افغانستان شاید باشه ولی ما نفرهای کارگرهای ما نیستند.

ک: رابطه یتان ره با شرکت های دیگر به چی شکل می بینید؟ شرکت های دیگری که عین کار ره می کنند، عین صنعت ره پیش می برند؟ به چی شکل است؟

BAPrivateKabul070818: رابطه خو یک رقابت، رقابت است و یک مشکلی که داریم کم ذره کمپنی ما فیلدی [field] که کم ذره ما جلوتر هستیم و آنها کمپنی های دیگری هستند که نو شروع کرده اند یا کمک ذره همو تکنولوژی ره ندارند، بسیار دُنبال ما هستند که یک سری دیتا از ما بگیرند یا که نفرهای ما ره بگیرند. ولی خوب، خود ما دید ما این است که یک سه الی چهار رقیبی که داریم، خوب است که ما همدیگر ره ترک [track] می کنیم. در نمایشگاه ها و در بیدینگ ها [biddings]. ولی خو خوب، یک انگیزه ای بسیار زیاد میشه که انسان از رقیب خود [...] اگر رقیب نداشته باشی میگی تو از همه بالاتر هستی. ایستاد می مانی. ولی اگر رقیب داشته باشی و ببینی که او یک کری می کنه، این به خود مجموعه یک انگیزه میده که از رقیب پس نمانی و تو هم باید یک اکشن بالاتر انجام بدهی.

ک: پس یک رقابتی وجود داره بین شما؟

BAPrivateKabul070818: رقابت ها.

ک: در قسمت دسترسی به کمک های دولت هم، شما کدام نهاد دولتی ره همراهش در ارتباط هستید؟

BAPrivateKabul070818: به هیچ عنوان. هیچ وقت!

ک: کدام نهاد دولتی به شما در اول هم نگفته که مثلا بازار افغانستان در این بخش نیاز به سرمایه گذاری داره شما در این بخش سرمایه گذاری کنید یا، این گونه معلومات [قطع]

BAPrivateKabul070818: ستارت اول [start] اول 2002 که آمدم به وزارت تجارت رفتم ده همو فیلد [field] گفتم شما همو کمپنی ها ره به ما بدهید که چی کمپنی های اینجه هستند که ما همراهشان تماس بگیریم که همین خدمات خوده برایشان بدهیم. این زمانی بود که ما بتوانیم خدمات برق است هر کمپنی ما ره ضرور داره. ما چون نو بودیم می خواستیم آشنا شویم. از آنها یک لست گرفتیم که این کمپنی ها هستند. خوب او وقت شرایط، شرایطی چندان خوبی نبود. دیگه ما هیچ کدام فیدبکی [feedback] از دولت نگرفته ایم. ولی تدارکات ملی فعلا تشویق می کنه ولی خو کدام فسیلیتیت [facilitate] ما فعلا ندیده ایم که از آنها بتوانیم.

ک: شما در قسمت، در چی بخش هایی فکر می کنید بتوانه دولت کمک کنه؟

BAPrivateKabul070818: [آهِ بلند] مهمترین گپ، پروژه های زیربنایی که است و شرکت های خارجی که می آیند خوب توان یک شرکت افغان نیست که پروژه های کلان ره بگیره [در حد این است] مثل یک سب ستیشن [sub station] یک دستریبوشن [distribution]. شاید که او ره، فعلا تدارکات ملی آمده سر این موضوعات کار می کنه و شرکت های خارجی داخل می آیند. ولی متأسفانه خو خوب است یک ذره شفافیت آمده. پروژه ها به کمپنی های که اسناد آنها درست است، داده میشه. ولی مشکل این است که ما همراهِ او کمپنی ها میریم آنها ما ره قبول نمی کنند. آنها علاقمند به این هستند که تمام متیریال [material] ره از بیرون از کمپنی، به خاطرِ همو پالیسی که دارند، توصیه ای که دارند، از آنجا بیاورند. و ما خو به دولت میگیم که شما همین پروژه ره اختیارش ره به کمپنی های خارجی می دهید. هندی ها و ترک ها و چینی ها، اینها هیچ علاقمند نیستند که از تولیدات داخلی استفاده کنند. ولو اینجه خدمات بهتر، قیمت پایینتر. می خواهیم از دولت که بتوانه یک پالیسی ایجاد کنه کسی که می آیه از مکزیمم [maximim] ظرفیت از تولیدات داخلی استفاده کنه.

ک: هیچ گونه شرایط [فعلا] وجود نداره برای این، برای شرکت های خارجی؟

BAPrivateKabul070818: میگن که دمستیک پریفرینس [domestic preference]، یا 25 فیصد ترجیح داخلی دارند ولی خوب طرف آمد، کمپنی آمد پروژه ره گرفته دیگه. امروز دست خودش است و بگیره یا نی [25 درصد از ما]، چون آنجا [در کشور خودشان] سوبسایدی میته، از تولیداتی که استفاده شوه، این برای آنها خوب است که متیریال خوده بیاره. بعضی سیاست ها گذاشته شده ولی آنها کافی نیست و آنها جواب نمیده. باید وقتی که پروژه ره گرفت این پروژه، یکی از تعهدات این باشد که همراه اتاق تجارت، اتاق صنایع و معادن بنشینه که از تمام ظرفیتی که در داخل افغانستان است اول [استفاده کنند]، که [این] یکی از شرایط قرارداد باشه. اگر که امکاناتش اینجه نبود، خوب بتوانند به خارج بروند [از خارج بیاورند]. این یک، میتانه بسیار تأثیرگذار باشه.

ک: این ره در همین سال های آخر شما احساس کردید که [قطع]

BAPrivateKabul070818: در همین دو سال اخیر. بله!

ک: کدام نهاد خیریه ای هم است که مثلا همراه شرکت در ارتباط باشه یا شما به آنها کمک کنید [منظورم از] نهادهای عام المنفعه است [قطع]

BAPrivateKabul070818: نی! نیست. ولی خود ما بعضی پلان ها داریم که بعضی کمک ها کنیم.

ک: مثلا به چی شکلی؟

BAPrivateKabul070818: در هرات یا در کابل همین خانواده هایی ره خود ما میرویم شناسایی می کنیم تا یک اندازه ای کمک می کنیم. در بخش اقتصاد خانواده ها حتا در بخش تحصیلات که می بینیم واقعا یک نفر دارند که می توانه درس بخوانه و [صرف] از خاطر مسایل مالی نمی توانه. اینها ره تلاش می کنیم که همو فسیلیتی [facility] ره ایجاد کنیم که بتانه درس خوده بخوانه. در این اندازه ها بسیار [...] کم است ولی خُب است [به هر حال] بحثِ اجتماعی ما تا حدودی منحیث یک بنیادی برای کمپنی هنوز اینجه سترکچری [structure] یا چیزی تشکیل نداده ایم ولی این ره داریم پیش خود.

ک: همو ظرفیتی که کمپنی های خارجی داره، کمپنی های داخلی هم داره که باز دولت بتوانه پروژهِ کلانی مثل یک سب ستیشن ره بته به یک کمپنی داخلی یا به ترکیبی از چند کمپنی داخلی؟ یک جوینت ستوک کمپنی ایجاد شوه؟

BAPrivateKabul070818: خُب! نه این که نباشه ولی فعلا چون دیمان اینجه زیاد است و پروژه ها اینجه زیاد است به او اندازه نیست که کمپنی های داخلی بتوانند [همه ی کارها] ره انجام بدهند. که کلشه انجام بدهند. ولی 10 فیصد یا 20 فیصدش ره قطعا می توانند انجام بدهند. چون فعلا ما [...] وقتی که پروژه ره می آیه یک کمپنی خارجی می گیره باز او می آیه ارجاع می کنه به کمپنی های داخلی. یعنی کار ره به روی گُرده کمپنی داخلی انجام میده. صرف خودش یک سوپروایز می کنه و هیچ وقت نفر ره به ساحه روان نمی کنه. و فعلا پروژه های به افغانستان به همین شکل است. صرف کمپنی ها پروفایل [profile] اینها به افغانستان می آیه وقتی پروژه ره گرفتند باز کمپنی های داخلی میرن به آنها وابسته میشن که "برادر بته که کارته مه انجام بدهم". کل پروژه های افغانستان فعلا به همین سیستم است. وقتی به این سیستم داریم کار می کنیم، چرا مه نمی توانم [یا نتوانم] مستقیم پروژه ره از دولت بگیرم. [این] به خاطری است که دولت میگه "برادر تو باید همین قدر کش فلو کپبیلتی [cash flow capability] داشته باشی". ظرفیت مالی [تقاضا می کنند]. خُب مه نمی توانم که ده میلیون دالر ده بانک نشان بدهم که پروژه ره [بگیرم] و پیش ببرم. تو باید دو پروژه های مثل این ره قبلا انجام داده باشی. و این پروژه ها نو است و کمپنی داخلی این گپ ها [این شرایط] ره نداره. تو باید این نفرها با این اکسپرینس ها [experience] ره داشته باشی که هر کدام ده سال ده سال کار کرده باشه. خُب این کمپنی ها در افغانستان حتا [...] این فرصت به کمپنی های داخلی هم داده نمیشه. شاید پنج سال بعد مه به این ستیج [stage] برسم. ولی بسیار فرصت از دست خود افغان ها میره. ظرفیت میره شفت میشه به یک جای دیگه. کل سرمایه ی مملکت و کل همو توانِ که میتانه کل افغانستانه پیش ببره، از دست میره.

ک: به همین موانعی که تا به حال شما رو به رو شدید در ده سال، این طور وقتی شده که احساس کرده باشید که خوردید به دیوار دیگه، و آخر مرز است، دیگه بیشتر از این کار صنعت باصرفه نیست و [خواسته باشید] دروازه شرکت ره بسته کنید؟

BAPrivateKabul070818: مشکلات نی ولی مشکلات امنیتی چرا! [مشکلات تجاری نه ولی مشکلات امنیتی به این فکر انداخته قبلا]. وقتی که کدام، خدا دور داشته باشه، همین انتحاری که ده چهارراهی زنبق شد یا موضوعاتی که بسیار شواوپ [show up?] میشد برای کلگی نه تنها خود ما اینجه تحت تأثیر قرار داده، حتا فامیل های ما می گفتند که برادر تو چی کار می کنی دیگه. نداری که [تا این حد درمانده ای که هنوز می مانی!]. به لحاظ اقتصادی مشکلاتی که است ما او ره مقابله می کنیم. میریم، گپ می زنیم و او ره راه حل پیدا می کنیم. خیر است، اگر دست اول نگیریم، دست دو تیم خوده رن [run] می کنیم. اینها هیچ وقت ما ره ستوپ [stop] نمی کنه. ولی این مشکلات امنیتی است که میتانه شرکت ره ستوپ کنه.

ک: کدام موقع، کدام فرصتی شده که احساس کرده باشید که بس است دیگه، از لحاظ صنعتی، از لحاظ تجاری؟

BAPrivateKabul070818: نی! فعلا به خاطری که صنعت یک چیزی است که خو اگر مه یک تاجر می بودم می گفتم همی ره مه می فروشم میرم. ولی صنعت، ما اینجه بیس [base] داریم. این هنگر [قطع]

ک: منظورتان از بیس چیست؟

BAPrivateKabul070818: بیس، منظورم، این هنگر خوده، این ماشینری خوده، این ستفی [staff] که اینها، که مثل یک خانواده شده ایم، این ره راحت نمی توانیم یلا [رها] کنیم. تا لحظه ی آخر که باشه او ره می چرخانیم که حتا حاضر هستیم یک سال، دو سال هم اگر نشد، از خود سرمایه ی شرکت برای آنها معاش می دهیم. فعلا به لحاظ اقتصادی به او شکل نشده [که مجبور شویم ببندیم]. اگر یک پروژه ای آمد یک پروژه ی دیگر باز داون شد، شش ماه بعد باز یک کار دیگر آمد، به لحاظ اقتصادی مشکلات بوده. مشکلات ما ره، صنعتکار ره نمیتانه [وادار به بستن کنه]. حتا ما حاضر هستیم که یک چیزی که به دست ما می آیه سریع باز یک بخش دیگر ره فعال کنیم، راه بیاندازیم.

ک: ماشین آلاتی که دارید قابل فروش یا قابل انتقال است؟

BAPrivateKabul070818: قابل فروش است ولی خوب، خدا دور داشته باشه، اگر یک وقتی اگه آدم خواسته باشه او پلان ره بگیره، ده نرخ آهن هم او ره کس نمی خرد. [این] در صورتی است که ما ماشین ها ره از ایتالیا خرده ایم و از ترکیه خریده ایم. ده حدود دو لک، سه لک دالر. ولی او ره کسی که خواسته باشه [قطع]

ک: یک انگیزه ی این که شرکت ره پابرجا نگه کرده اید، با جدیت، همین نیست که ماشین آلات تان غیرقابل انتقال است؟

BAPrivateKabul070818: نه! خود [نامفهوم] ماشین آلات ره نداریم! چون یک [تنها] یک 20% سرمایه ی ما ماشین آلات است. دیگرش خو سرمایه ی معنوی است، سرمایه ی [...] همو وجهه ای اجتماعی است که آدم اینجه داره و ده جای دیگه نداره، ده مهاجرت نداره. بودیم ما مهاجر [هم] بودیم. اینها است که به آدم انگیزه میده. صرف ماشینات و تشویق این که این ره چطور کنم [میشه با اینها گذاره کرد]. خیر است، نبود ترپال سر او می اندازی دروازه ره هم قفل می کنی. خلاص!

ک: بیشتر فروشاتتان در کدام شهر است؟ بازاریابی و فروشات؟

BAPrivateKabul070818: بیشتر کابل [...] یک جایی است که مرکز است و کابل کل افغانستانه سپلای می کنه. ولی هرات خو است. هرات خو ده همو زون است و بسیار حجم کار پایین است [ده آنجا].

ک: آخرین بار برای توسعه شرکت ده کدام سال پول مصرف کردید؟

BAPrivateKabul070818: ما همین لحظه داریم مصرف می کنیم.

ک: همین لحظه؟

BAPrivateKabul070818: [بله] همین لحظه.

ک: ماشین خریدید یا ؟

BAPrivateKabul070818: ما زمین خریدیدم همین لحظه ده پارک های صنعتی صنایع سبز، شاید شما نامش ره شنیده باشید.

ک: پارک های سبز [...]؟

BAPrivateKabul070818: ده سبز است. ده سبز.

همین لحظه داریم مصرف می کنیم. شاید ظرف یک، دو ماه یا پنج ماه دیگه یک خط نو فعال بکنیم.

ک: پس امیدوار هستید به این که [قطع]

BAPrivateKabul070818: ها، چرا نی.

ک: یک کمی چیز نیست که شما گفتید که تنها 30 فیصد ظرفیتتان ره می توانید استفاده کنید؟

BAPrivateKabul070818: خُب این یک خط دیگری است. ده او بخش نیست. او بخش 30 فیصد ظرفیت ره استفاده می کنه. اگه 70 درصد دیگه هم بیایه او ره جواب می دهیم. ده بخش، مثلا، تولید صندوق ها و سوچ بوردها و دیگه و دیگه است. این ده یک خط دیگه است. پایه های کانکریتی ره شاید شما دیده باشید. ده او بخش دیگه است که او ره ما فعلا پروژه های خود ما لازم داره و او ره می خواهیم راه بیاندازیم. این طور نیست که تنها ده او خط سرمایه گذاری خاهیم کرد. ده فیلدهای دیگه هم. ده فیلدهای دیگری که است.

ک: ارزش مواد خام داخلی در تولیداتتان در چی حد است؟ چند فیصد شما از داخل افغانستان مواد خام به دست می آورید؟

BAPrivateKabul070818: خوب مواد خام داخل افغانستانه که به دست می آوریم کلگی از خارج می آیه دیگه. فعلا اویلیبل [available] است. 40 تا 50 فیصد است.

ک: تجار می آورند اینها ره [قطع]

BAPrivateKabul070818: بله! خُب آهن چادر است، بعضی گپ و گفته های خُرد و ریزه است. دیگرهایشه خو خود ما می آوریم.

ک: هیچ کدام اینها ده داخل افغانستان تولید نمیشن؟

BAPrivateKabul070818: نی! اکثرا [...] نی! هیچ کدامش. آهن چادر، سوچ ها و بس‌بارهای مسی و این گپ ها. هیچ کدام مواد، رو متیریال [raw material] ما که است ده حد یک 5% او مثل وایر [wire] است و اینها که فعلا تولیدات داریم. ولی بیشتر، 90% از او از خارج می آیه.

ک: در جمع شاگرهایتان از این جمع، از اینها کدامیک بیشتر است: کس های که از خود محل هستند، مثلا، از همان جایی که فابریکه است از اطراف از همان محل می آیند و شما استخدام کرده اید؟ همولایتی هایتان است؟ اعضای فامیل و خویش و اقارب استند؟ یا همقومی تان هستند؟

BAPrivateKabul070818: معمولا قوم به افغانستان. 90% یا 95% قومی هستند.

ک: ماشین آلات باز به درد کدام تولید دیگر هم می خوره؟

BAPrivateKabul070818: بله ها! ما مولتی است که صرف صندوق نیست خیلی کارهای دیگر ره هم ما می توانیم انجام بدهیم. دیگه، قطعات خودرو اگر باشه و ماشین ها و چون آن است دیگه، باز او ره میتانیم کار کنیم. یا به بخش، خیلی کارهای دیگه هم میشه کرد. چون ماشینری است دیگه. ما او ره استفاده می کنیم برای صندوق های برق. برای دیگه کارها هم میشه آنها ره استفاده کرد.

ک: ده این فکر هم [گاهی] افتیده اید که این ماشین ها ره استفاده کنید به منظورهای دیگه؟

BAPrivateKabul070818: نه! خو چون به او مارکیت نیست دیگه. ما هیچ وقت صنعت ساخت موتر ره به افغانستان نداریم که خواسته باشیم قطعه برای او تولید کنیم. خب موترها از بیرون می آیند. ده جاهای دیگه [کشورهای دیگه] میشه، سر اینها کار می کنند. ما می توانیم این ره تولید کنیم.

ک: این طور شرکتی هم آمده از بیرون، یا داخلی، کدام نفر آمده باشه به شما گفته باشه که مه می خواهم یک شرکت ایجاد کنم برای این که، جایگزین مواد بیرونی، برای شما تولید کنه؟ مثلا، آهن چادر ره شما از تجار می خرید، او گفته باشه، مه می خواهم یا حاضر هستم که یک کمپنی تولید آهن چادر جور کنم؟

BAPrivateKabul070818: این کارهای زیربنایی است خو [...]

ک: کسی به شما [قطع]؟

BAPrivateKabul070818: نه! هیچ کسی نی.

ک: رقابت با رقیب های خارجی ره چی رقم می بینید؟ رقابت وجود داره در این قسمت؟

BAPrivateKabul070818: بله! خُب پروژه هایی است که رقیب های خارجی ما می آیند. متیریال خوده می آورند در اینجه و هست. مهمترین پوینت [point?] که آنها دارند چون چندین سال است کار کرده اند در این بخش، همو استندردها و سرتیفیکت های [certificate] خوده دارند که این ره به اینجه روان می کنند و کلاینت [client] او ره اکسپت [accept] می کنه. ولی ما چون نو شروع کرده ایم و او نولج [knowledge] ره نداریم، او نولج ره هم که داریم همو فسیلیتی [facility] نیست که همی متیریال خوده یک تست بکنم ده داخل افغانستان. باز او ره مه متیریال خوده روان می کنم ده خارج که او ره یک تست می کنه و یک سرتیفیکت می گیرم. بسیار برای مه سخت است. آری، برای خارجی ها خو ده همو شهر خود، از این شهر به این شهر یک چیزی ره می برند تست می کنند، اسناد، دایومنتیشن [documentation] و پروف [proof] دارند برای متیریال خود. این مهمترین چلنج ما همراهِ [مکث] [قطع]

ک: خارجی ها همین است!

BAPrivateKabul070818: بله.

ک: این طور به گونه ی مستقیم بالای حجم تولید شما تأثیر گذاشته این؟

BAPrivateKabul070818: بله بله! خیلی وقت ها شده که اسناد ما اپرووف [approve] نشده. ده پروژه های که ده افغانستان دونرهای خارجی می آیند. وقتی که آنها می خواهد داکیومنت نگه می کنند. این داکیومنت ده افغانستان اویلیبل [available] نیست. کمپنی های خارجی است. آنها میرن از او [کمپنی خارجی] می خرند و می آورند به افغانستان.

ک: نرخ تعرفه و این گپ ها کدام تأثیرگذاری دارد یا این که؟

BAPrivateKabul070818: خُب! خیلی برای ما نی دیگه. این گپ های دیگه! داره ولی مهمترین چیزها، پوینت ها، چیزهایی بود که برایتان گفتم.

ک: فروشات شما به اوگرایی است یا نقد؟ شما چی رقم فروشات دارید؟

BAPrivateKabul070818: نقد می دهیم.

ک: کاملا نقد است؟

BAPrivateKabul070818: یک ادوانس می گیریم ده بخش پرودکت خود. ده سابق این رقم بود. یک ادوانس می گرفتیم، وقتی که پرودکت ره قبل از این که شپمنت [shipment] کنیم ما پیسه ی خوده می گرفتیم. چون ده افغانستان نمیشه دیگه [...] ولی متأسفانه در این اواخر چون مارکیت خراب شده ما مجبور شده ایم که حتا متیریال ره ده پروژه ها روان کنیم، ده پروژه های هندی ها، و [آنها شده که] یک دو ماه بعد باز برای ما پیسه بدهند.

ک: تا چی حد است همین حالی فعلا این شکل فروشات تان؟

BAPrivateKabul070818: همی پروژه ی ما در [نامفهوم] حدودا سه، چهار لک دالر است.

ک: چند فیصد کارتان است این؟

BAPrivateKabul070818: میشه گفت خوب در حدود شش ماه کار ما اگر بگیریم، 40% فیصدِ شش ماه کاری ما میشه. دیگه فعلا ده همی اندازه ما [...] همراهِ، یک ریسک هایی ره قبول می کنیم.

ک: اوگرایی داده اید به همین شکل؟

BAPrivateKabul070818: اوگرایی، منظور شما از اوگرایی [قطع]

ک: اوگرایی منظورم این که [قطع]

BAPrivateKabul070818: اوگرایی اصلا چی کلمه ای است؟

ک: اوگرایی کلمه ای است که آمده از پاکستان [خنده]

BAPrivateKabul070818: خُب، اوگرایی ره مه نمی فهمم.

ک: پوله، مثلا، شما امتعه ره می دهید و نفر خریدار هفته وار یک فیصدی پولشه برای شما میته.

BAPrivateKabul070818: اوگرایی ره خو مه آشنا نیستم.

ک: مشتری ها نو ره چگونه به دست می آورید؟ مشتری هایتان معمولا دایمی است؟ کس های که شما همراهشان معامله دارید؟

BAPrivateKabul070818: او نسبت به پروژه های که میایه دیگه ما تارگیت می کنیم. پروژه ای که اوارد [award] میشه برای یک نفر میریم می بینیم که همراهش ما به تماس می شویم.

ک: چند ساعت در روزی کار می کنید شما؟

BAPrivateKabul070818: فعلا [مکث طویل]

ک: ده تولید

BAPrivateKabul070818: ده تولید 8 ساعت.

ک: کارگرها باز چند ساعت کار می کنند؟

BAPrivateKabul070818: کارگرها هشت ساعت کار می کنند! مه هم در حدود هشت ساعت بیشتر نمیشه.

ک: از برکت کار این شرکت، از درآمدش توانسته اید در یک بخش دیگری سرمایه گذاری کنید؟ در بخش غیرتولید، در بخش خدمات؟

BAPrivateKabul070818: خُب همین تولید ما بود که باعث شد ما بتوانیم پروژه های خوده رن کنیم. سرمایه گذاری در این بخش پروژه ها، که ما بتوانیم پروژه های دیگه ره بگیریم.

ک: منظورم از بخش خدمات یعنی یک رستورانت باز کرده باشید، یک هوتل باز کرده باشید [قطع]

BAPrivateKabul070818: در بخش ساختمان کار کرده ایم مقصد. پیسه ره گرفته ایم یک چیز جور کرده ایم، فروختیم. یک ساختمان دیگه.

ک: شرکتی دارید برای این؟ یک شرکت ساختمانی؟

BAPrivateKabul070818: نی! انویست [invest] کرده ایم سر این که ... خو شرکت ما کارهای ساختمانی هم می کنه. او ره جور کرده ایم و فروختیم. بله.

ک: سوال آخرم از شما در باره انگیزه یتان است. که چی وقت یک صبحی برخاستید و به این فکر افتیدید که مه می خواهم که صنعتکار باشم؟ ده کجا بود؟ همین انگیزه [قطع]

BAPrivateKabul070818: خُب! [با کم حوصله گی فزاینده] همین چیزی که، وقتی که ده ایران درس خواندیم، ده همی فیلد خواندیم. ده همی فیلد، همو وقت یک، ما کارآموزی می گوییم. اینجه پراکتیک میگن. نمی فهمم. ده او وقتی که پوهنتون می رفتیم همی ما ره روان کردند به پراکتیک به فابریکات و دیگه و دیگه. ما اتفاقی رفتیم به یک جایی که فابریکه ای بود که تولید همین کارها ره می کرد. دیگه همو ماندیم همراه آنها. بعد از او باز ده خود ایران برای خود یک فابریکه جور کردیم، همراه شریک ها. خُب اونجه آدم همو شخصیت خوده نداره و اعتماد به نفسه نداره. 2003 که شرایط تغییر کرد، کلوز [close] کردیم بزنس خوده آمدیم اینجه.

ک: همه اش از همانجا شروع شد؟

BAPrivateKabul070818: ستارت [start] از همونجه بود.

ک: تشکر!

BAPrivateKabul070818: تشکر! نام خدا کل سوال ها ره پرسیدید دیگه چیزی نماندید.